

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقاتی منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



ایران می‌تواند قدرت موشکی خود را احیا کند؟

ضربه‌های سختی خورده است. حماس در غزه تا حد زیادی نابود و حزب الله در لبنان نیز به شدت ضعیف شده است. ایران به تلاش خود برای تسلیح عناصر رادیکال فلسطینی در کرانه باختری ادامه خواهد داد، اما سقوط اسد خط تدارکات را مختل کرده است. از طرف دیگر نیابتی شبه نظامی ایران در عراق و شرکای حوثی‌اش در یمن آن قدر از اسرائیل دور هستند که نمی‌توانند حتی با تقویت ایران تهدیدی بزرگ باشند. ستون دریایی ایران نیز یک شمشیر دولبه است که فقط در موارد بسیار اضطراری قابل استفاده است.

ادامه در صفحه ۲

بالستیک پرتاب کرد که ۲۰ موشک ظاهراً بلافاصله پس از پرتاب منهدم شدند و تنها بیش از ۳۰ موشک به په پایگاه هوایی نواتیم اسرائیل و چندین منطقه مسکونی رسیدند. تعداد نامعلومی نیز در مسیر رهگیری شدند. از زمان جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰، موشک‌های بالستیک محور استراتژی اصلی نظامی تهران بوده است که بر پایه سه گانه ارتش‌های نیابتی خارج از مرزهای ایران است، سامانه‌های حمله دوربرد و نیروی دریایی-ساحلی متمرکز بودند.

در ماه‌های اخیر، به ستون اول و یکی از مهم‌ترین ستون‌های قدرت نظامی ایران، یعنی نیابتی‌هایش

مؤسسه واشنگتن

مایکل آیزنشتات / فرزین ندیمی

نتیجه حملات گسترده ایران در روزهای ۱۳ آوریل و اول اکتبر به اسرائیل سؤالاتی را در مورد کاربرد نیروی موشکی این کشور و استراتژی نظامی ساخته شده پیرامون آن ایجاد کرده است. در حمله ماه آوریل، ایران حدود ۱۱۰ تا ۱۳۰ موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک کرد که تقریباً نیمی از آن‌ها پس از پرتاب دچار نقص شدند، تقریباً نیمی از آن‌ها رهگیری شدند و حدود ۷ تا ۹ فروند از آنان عبور کردند که خسارت کمی ایجاد کرد و هیچ تلفاتی نداشت. در ماه اکتبر، ایران حدود ۲۰۰ موشک

۱۵

نقش ترکیه در
آینده سوریه

۷

تناقضات سیاسی و پایان
امپراتوری آمریکا!

۵

سود بردن نروژ از
جنگ اوکراین

ایران می تواند قدرت موشکی خود را احیا کند؟



همان طور که گفته شد، تلاش های ایران برای بازگرداندن نیروی موشکی بالستیکش، احتمالاً چالش های جدیدی را برای آمریکا و متحدین آن ایجاد می کند و نیاز به یک رویکرد یکپارچه تر را بسیار برجسته می کند؛ به عنوان راه کار، برای ادغام بیشتر و دیجیتالی شدن مشارکت های پدافند هوایی و موشکی، آمریکا باید بر متحدانش جهت تسهیل پاسخ در مورد تهدیدات موشکی فشار بیاورد. تأکید بر پیشگیری و دفاع رو به جلو برای از بین بردن موشک های ایرانی روی زمین و شکست حملات قبل از رخ دادن، می تواند مرحله دیگر این نقشه باشد.

همان طور که اسرائیل در ماه اکتبر اقداماتی را انجام داد، در این مسیر بر هدف قرار دادن تأسیسات تولید موشکی ایران باید تمرکز کرد. آمریکا و متحدین آن با تقویت اثربخشی تلاش های دفاعی موشکی و برنامه های خلاق، می توانند ستون اصلی استراتژی نظامی ایران، یعنی قدرت موشکی را تضعیف کنند، توانایی آن ها را در مقابله با محتمل ترین اتفاقات نظامی راهبردی از بین ببرند و سرمایه گذاری گسترده ایران را بر روی موشک هایش مختل کنند.

<https://tinyurl.com/2aa46x4a>

می کند و به دنبال راه هایی می گردد تا آن ها را قادر سازد که به پدافند هوایی و موشکی دشمن نفوذ کنند. ایران قصد دارد نیروی موشکی بالستیک خود را از طریق دقت بیشتر، تاکتیک های اصلاح شده و اقدامات متقابل بهبود یافته، سریع تر و پیشرفته تر کند. تاکتیک های اصلاح شده می تواند شامل غلبه بر پدافند موشکی اسرائیل با سلاح های بزرگ تر باشد، اما این امر به سرعت موجودی موشک های ایران را نیز می تواند از بین ببرد. ایران همچنین ممکن است به پدافند موشکی دشمن حمله کند تا راه را برای حملات بعدی به اهداف استراتژیکش باز کند. تلاش های ایران برای بازگرداندن نیروی موشکی بالستیک، چالش های جدیدی را برای آمریکا و متحدین آن ایجاد می کند و نیاز به یک رویکرد یکپارچه تر، ریسک پذیرتر و فعال تر برای مقابله دارد. اگر ایران سلاح های هسته ای را به دست آورد، این نیاز حتی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد. برای هدف گیری بهتر و جنگی سخت تر در آینده، تهران ممکن است مجبور شود اصلاحاتی را در موشک های خود ایجاد کند که ممکن است به کلی سیستم موشکی خود را تا حد زیادی متحول کند و به راحتی پدافند های آمریکا و اسرائیل را دور بزند.

بستن تنگه هرمز، چین یعنی بزرگترین مشتری نفت منطقه را از ایران دور می کند، تلاش ها برای ایجاد شکاف بین عربستان و آمریکا را تضعیف می کند و اقتصاد ایران را فلج می کند، زیرا تقریباً تمام واردات و صادرات نفت این کشور از طریق این تنگه انجام می شود. در مقابل، زرادخانه موشک های بالستیک ایران که پیش از حملات امسال بیش از ۳ هزار تخمین زده می شد، می تواند ظرف چند ساعت پس از دریافت دستور وارد عمل شود و به اهدافی در فواصل دور حمله کند. اگر این موشک ها به تعداد کافی برای نفوذ به دفاع دشمن شلیک شود، می تواند تأثیر فیزیکی بسیار بیشتری نسبت به حملات تروریستی و آنچه قبلاً از حملات ایران دیدیم ایجاد کند. به رغم تغییرات منطقه ای تهران، استراتژی آن احتمالاً با تداوم قابل توجهی تعریف می شود، زیرا محدودیت های تحمیل شده توسط ساختار نیرویی آن مانع از انحراف چشمگیری نسبت به رویکرد فعلی می شود. سرمایه گذاری کلان ایران در موشک های بالستیک، وابستگی هایی به این مسیر ایجاد می کند که غلبه بر آن ها دشوار خواهد بود، بنابراین، ایران احتمالاً موشک ها را دوچندان

ایران دیگر رئیس محور ضد آمریکایی ها نیست

هیل
جانسونز بوجا جاسکی |

پس از سرنگونی نظام بشار اسد توسط شورشیان سوری، دونالد ترامپ تأکید کرد که آمریکا از جنگ داخلی دور خواهد ماند. او می خواست به جنگ ها پایان دهد، نه اینکه آن ها را شروع کند. اگر تهران سوری را از دست بدهد، مسیر زمینی تأمین حزب الله و دسترسی مطلوبش به دریای مدیترانه را از دست خواهد داد. ترامپ همچنین از تخریب حماس و حزب الله توسط اسرائیل و حمایت ترکیه از نیروهای ضد اسد برای محدود کردن نظام ایران بدون جنگیدن سود می برد. دولت جدید آمریکا باید با جنگ در اوکراین و غرب آسیا روبرو شود و از وقوع نبرد سوم با چین جلوگیری کند. جلوگیری از جنگ بر سر تایوان هم از نظر استراتژیک و هم از نظر اقتصادی اولویت واشنگتن است. آمریکا قطعاً نمی خواهد ظرفیت عظیم تولید تراشه جزیره به دست پکن بیفتد.

سپس ایران مهم است. یکی از تفاوت های مهم بین دولت های خروجی و آینده آمریکا این است که باید در منطقه ترسی نداشت. در مقابل، تیم امنیت ملی ترامپ این فرصت را دارد تا عزم خود را در برخورد قاطعانه تر با دشمنان آمریکا نشان دهد و نمی تواند نیروی نظامی را برای تضعیف سیاست های محرب ایران کنار بگذارد. با این حال، از آنجایی که ترامپ به قیمت پایین نفت برای پیشبرد رشد اقتصادی معتقد است، به دنبال جلوگیری از گسترش جنگ خواهد بود. اگر درگیری خلیج فارس ادامه پیدا کند، تهران می تواند تنگه هرمز را ببندد و ۲۰ درصد LNG خود را مسدود کند. در حالی که ترامپ همچنین تأکید کرده است که اجازه نخواهد داد ایران تسلیحات هسته ای داشته باشد، احتمالاً ابتداء رویکرد مذاکره ای را امتحان می کند. دور دوم ریاست جمهوری ترامپ در میان چندین کشور عربی به عنوان فرصتی برای برقراری روابط تجاری بیشتر با آمریکا تلقی می شود که به نفع منطقه و کاهش مداخله ایران است. قطر نمونه مناسبی است که ترامپ سابقه سازنده ای با آن دارد.

<https://tinyurl.com/2cf2krlb>

ترامپ می تواند اسرائیل را به شریک بهتری برای آمریکا تبدیل کند؟



دونالد ترامپ

سیاست خارجی را مهار می کند

نشانی اینترست

کریستوفر فتویس |

طرفداران سیاست خارجی محدود آمریکا باید درک کنند که هرگونه دستاورد کوتاه مدت تحت دولت دوم ترامپ ارزش هزینه های آسیب زای بلندمدت را ندارد. ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا، معتقد است که این کشور هیچ منافع مهمی در سوریه ندارد. این اعلامیه دیدگاه برخی از جامعه خویشتن دار را تقویت کرد که به انتخاب وی با خوش بینی محتاطانه واکنش نشان دادند و امیدوار بودند که دولت جدید از دهه ها سیاست خارجی غیرمولد رویگردان شود. بیش از چند نفر گفته اند که دولت دوم ترامپ ممکن است برای طرفداران خویشتن داری خوب باشد و شاید باید در آغوش آن قرار گیرد.

چنین حرکتی یک اشتباه فاجعه بار خواهد بود. رئیس جمهور سابق و آینده نشان دهنده امتیازی برای محدودیت استراتژیک نیست، بلکه یک تهدید وجودی وخیم است. هیچ استراتژی بزرگی از همراهی با ترامپ و جنبش «ماگا» جان سالم به در نخواهد برد و خویشتن داری نیز از این قاعده مستثنی نیست.

جمهوری خواهان بر پایه ای شکننده حکومت خواهند کرد.

دوره دوم ترامپ با مفاهیم باستانی قانون اساسی کنترل و توازن مهار نخواهد شد و احتمالاً رسوایی و فاجعه ای فراتر از تصور افراد معقول ایجاد می کند. به محض اینکه «ماگا» پژمده شد، ارزش های آن برای نسل بعدی بی اعتبار می شود. تا سال ۲۰۳۴، یافتن یک آمریکایی جدی که به حمایت از ترامپ اعتراف کند، دشوار خواهد بود. اگر حامیان آن مراقب نباشند، محدودیت استراتژیک قربانی میراث سمی ترامپ خواهد شد.

نومحافظه کاران هم دشمن فکری ماگا و هم محدودیت هستند.

قبل از روی کار آمدن ترامپ، خویشتن داری در محافل استراتژیک آمریکا شتاب زیادی داشت. انزجار از جنگ های غیر ضروری و سطوح هزینه های دفاعی مضحک در حال افزایش بود.

ترامپ کل جنبش ها را تحت تأثیر قرار می دهد و آن ها را نابود خواهد کرد.

<https://tinyurl.com/28k74bh9>

است و به طور مکرر تلاش های صلحی را که ترامپ می خواهد در غرب آسیا ببیند، کاهش داده است. به گفته یک کارشناس، اسرائیل به واشنگتن می گوید که جنگ در غزه «بر اساس شرایط و جدول زمانی ما به پایان خواهد رسید. تودخلت نکن.» دستاوردهای اسرائیل علیه حماس، حزب الله و ایران، اسرائیل را به گونه ای جسورتر کرده است که می تواند طرح های ترامپ برای کاهش تنش های منطقه ای و کاهش هزینه های امنیتی آمریکا را خنثی کند. در واقع، به نظر می رسد انتخاب ترامپ مخاطره ای اخلاقی اسرائیل را بدتر می کند. رهبران اسرائیل پیش بینی می کنند که ترامپ «بی قید و شرط از کشورشان حمایت خواهد کرد»، این باور باتمایلی منصوبان ترامپ به طرفداری از اسرائیل تقویت شده است. به رغم اینکه ترامپ می گوید خواهان آتش بس غزه قبل از مراسم تحلیف است، اسرائیل کمک کرد تا مذاکرات آتش بس درست پس از انتخاب ترامپ متوقف شود و به نظر می رسد تا حد زیادی در موضع خود در مورد مذاکرات فعلی بدون تغییر بوده اند. به همین ترتیب، تهاجم اسرائیل پس از اسد به سوریه، خواسته های ترامپ را که سوری ها به تنهایی و بدون مداخله خارجی، آینده خود را دنبال می کنند، رد می کند.

<https://tinyurl.com/2344g7xa>

که ترامپ به ویژه مشتاق انجام آن است، فراهم می کند.

پدیده ای که دانشمندان علوم سیاسی آن را «مخاطره ای اخلاقی» می نامند، در قلب مشکلاتی قرار دارد که ترامپ (مانند بایدن) تقریباً با اسرائیل با آن مواجه خواهد شد. مخاطره ای اخلاقی زمانی پدیدار می شود که یک قدرت بزرگ به یک متحد تجدیدنظر طلب تعهد امنیتی قوی بدهد، به این معنی که دولتی ناامید از رفع مشکلات امنیتی خود یا تغییر نظم امنیتی حاکم است. محافظت توسط قدرت بزرگ، متحد را در برابر عواقب اقدامات خود خاطر جمع می کند و باعث می شود که ریسک پذیرتر باشد و کمتر به خواسته های قدرت بزرگ پاسخ دهد. قدرت بزرگ در تلاش برای نجات متحد در هنگام بروز مشکل، متوجه می شود که هزینه های امنیتی آن به سطوح ناپایدار افزایش می یابد.

از ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳، یک مخاطره ای اخلاقی، واشنگتن را تحت الحمایه اسرائیل، شریک کوچک تر خود قرار داده است. رهبران اسرائیل با حمایت «آهنین» تعهد امنیتی واشنگتن به اسرائیل و عرضه گسترده تسلیحات آمریکا، آشکارا به دست انداختن این کشور می بالند. نتانیاهودر ماه جولای با اطمینان گفت: «آمریکا پشت ماست.» باتکیه بر این اطمینان، اسرائیل تا حد زیادی واشنگتن را نادیده گرفته

نشانی اینترست

ویلیام والدورف |

هنگامی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا به کاخ سفید بازگردد، بیشتر انتظار دارند که او به اسرائیل اختیارات گسترده ای بدهد تا هر طور که در غرب آسیا صلاح می داند عمل کند. با این حال، این انتظار می تواند مورد آزمایش قرار گیرد و ممکن است ثابت شود که به کل اشتباه است. به اندازه کافی واضح است که ترامپ نمی تواند تحمل کند وقتی متحدان از او سرپیچی می کنند، همان طور که اسرائیل از جو بایدن برای برقراری آتش بس و معامله گروهان از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ سرپیچی کرده است. علاوه بر این، اگر تجاوزهات منطقه ای مستمر تل آویو، ترامپ را با خنثی کردن برنامه های بلند پروازانه اش برای برقراری صلح در غرب آسیا شومنده کند، ناامیدی ترامپ احتمالاً به تلاش برای غلبه بر اسرائیل تبدیل خواهد شد.

پس سؤال بزرگ این است: چگونه او می تواند این کار را انجام دهد؟ پاسخ در تغییر ساختار ائتلاف آمریکا و اسرائیل، یعنی ایجاد ابهام بیشتر در آن نهفته است. یک اتحاد راهبردی مبهم به نفع اسرائیل و آمریکا خواهد بود. این امر دفاع اسرائیل در برابر دشمنان منطقه ای را تضمین، ماجراجویی اسرائیل را تعدیل و پایه ای را برای گسترش پیمان آبراهام،

پیروزی‌های اسرائیل آغازگر دوره جدیدی است

هسته‌ای خودجولوگیری کند. آمریکا و اسرائیل اکنون می‌توانند مواضع خود را به عنوان قدرت‌های پیشرو در غرب آسیا به دست آورند. پیش از (حتی) در طول کارزار ضد جهادی اسرائیل، عمدتاً به دلیل درک ضعف آمریکا، کشورهای عربی شروع به ایجاد روابط نزدیک‌تر با چین و روسیه کردند. به عنوان مثال، عربستانی‌ها سال گذشته با میانجیگری چین روابط دیپلماتیک خود را با ایران احیا کردند. امروز، با تضعیف شدید ایران و روسیه، دولت آینده ترامپ می‌تواند کشورهای عربی را به دامان آمریکا بازگرداند. به همین ترتیب، اسرائیل اکنون مناطق حائل گسترده‌ای را در غزه، لبنان و اخیراً سوریه کنترل می‌کند. در واقع، روستاهای عرب دروزی در جنوب سوریه به اتفاق آرا درخواست کرده‌اند که اسرائیل قلمرو خود را ضمیمه کند. با این حال، ایران تضعیف شده، اما سقوط نکرده است.

<https://tinyurl.com/25vb9m8>



هسته‌ای ایران را نابود کند. شکست متحدان و دفاع ایران برنامه تسلیحات هسته‌ای آن را در معرض حمله قرار می‌دهد. پیروزی‌های اسرائیل علیه ایران و محور مقاومت آن، جمهوری اسلامی را به شدت تضعیف کرده است که دیگر نمی‌تواند از حملات به برنامه

بر غرب آسیا را شکست داده است. به رغم مقاومت غرب، اسرائیل موفق شده است زیرساخت‌های رهبری و تروریستی حماس و حزب الله و همچنین تولید موشک بالستیک قاره پیما [ICBM]، سیستم‌های پدافند موشکی و آزمایشگاه مخفی تسلیحات

جوئیش نیوز سیندیکیت جیسون اشویلی |

اسرائیل تقریباً به تنهایی «جهاد جهانی» را از کار انداخته و عصر جدیدی را در غرب آسیا گشوده است؛ اما غرب به جای قدردانی از اسرائیل به خاطر موفقیت بی سابقه‌اش در برابر نیروهای بربریت، آن را تنبیه کرده و حتی در بسیاری از موارد سعی کرده از نابودی جهادی‌ها جلوگیری کند.

کاخ سفید بایدن مانع از تلاش‌های اسرائیل برای شکست «محور مقاومت» ایران شد. برای شروع، تیم بایدن اسرائیل را تحت فشار قرار داد تا به شهرهای غزه مانند خان یونس و رفح که سنگرهای کلیدی شبکه تروریستی حماس هستند، حمله زمینی انجام ندهد. در رفح، در بخش جنوبی غزه بود که نیروهای اسرائیلی، یحیی سنوار، رهبر حماس، مغز متفکر کشتار ۷ اکتبر و هزاران جنگجوی حماس را پیدا کردند و کشتند. اسرائیل کارزار ایران برای اعمال هژمونی

اسرائیل همچنان درگیر جنگ با حوثی‌هاست

مختلف در تلاش برای کاهش حملات حوثی‌ها، کشتی‌های تجاری را در دریای سرخ اسکورت می‌کنند. نتانیاهو روز پنجشنبه به کابینه خود گفت: «ما مصمم هستیم بازوی محور شرارت ایران را قطع کنیم و تا زمانی که کار را کامل نکنیم پافشاری خواهیم کرد.» او در کانال ۱۴ افزود: «ما تازه کار خود را با آن‌ها آغاز کرده‌ایم. حماس، حزب الله و سوریه درس عبرت گرفتند. حوثی‌ها نیز یاد خواهند گرفت.»

عملیات هوایی پیچیده روز پنجشنبه در ۱ هزار و ۲۰۰ مایلی مرز اسرائیل «صدهای تاکستان» نام داشت. در حالی که عملیات ارتش اسرائیل به طور تصادفی توسط رایانه نام گذاری می‌شود، این امر ممکن است اشاره‌ای به تاکستان یمن باشد، همسایه تل آویو که در ابتدا توسط یهودیانی که در سال ۱۹۴۹ در عملیاتی به نام «قالی جادویی» از یمن نجات یافتند، ساکن شده‌اند.

اسرائیل مصمم است که در کوتاه‌مدت حوثی‌ها را شکست دهد.

<https://tinyurl.com/2cls2uuh>



دهه با یمن متحد ایران جنگید. روی کیس، تحلیل‌گر مسائل عربی در تلویزیون کان اسرائیل می‌گوید: «بسیاری در جهان عرب بی سروصدا حملات اسرائیل به حوثی‌ها را تشویق می‌کنند.»

اسرائیل پیش از عملیات روز پنجشنبه واشنگتن را مطلع کرد. تا به امروز، حملات آمریکا و انگلیس در یمن عمدتاً پرتاب کننده‌های موشک را هدف قرار می‌دادند، زیرا نیروی دریایی کشورهای

صنعا، گسترده‌تر از سه عملیات قبلی اسرائیل بود. مقامات اورشلیم نشان می‌دهند که این حملات با آخرین حرف در جنگ برای پایان دادن به تجاوزات حوثی‌ها فاصله زیادی دارد. اقتصاد مصر که بخش‌هایی از آن به درآمد حاصل از ترافیک کانال سوئز وابسته است، از حمله حوثی‌ها به کشتی‌رانی دریای سرخ آسیب دیده است. عربستان پیش از اقدام دیپلماتیک با حوثی‌ها به مدت یک

نیویورک سان بنی آونی |

با هدف پیوستن به یک ائتلاف جهانی، اسرائیل در حال حاضر رهبری جنگ با حوثی‌ها را بر عهده می‌گیرد. همانطور که در یک اصل نظامی سنتی عبری، استراتژی ارتش اسرائیل به نظر می‌رسد این است: «آنچه با زور حل نشود، با زور بیشتر حل خواهد شد.» حملات هوایی روز پنجشنبه به اهدافی در یمن، از جمله فرودگاه بین‌المللی

سود بردن نروژ از جنگ اوکراین

گرفته است که سودجوی جنگ اروپا باشد و حریصانه به دستاوردهای خوش شانس خود چسبیده است. احزاب اپوزیسیون به اعتبار خود، سطوح بالاتری از حمایت از اوکراین را پیشنهاد کرده اند و در نهایت مبلغی را که در ابتدا دولت پیشنهاد کرده بود، افزایش دادند. با این حال، هیچ طرفی به پیشنهاد انتقال کل درآمدهای با آورده جنگ به اوکراین نزدیک نشده است.

موضع دولت نروژ گیج کننده است، زیرا نروژ با روسیه مرز مشترک دارد و مدت هاست که برای دفاع از خود به حمایت متحدانش متکی بوده است. این درآمد با آورده حدود ۶ درصد از صندوق دارایی دولتی آن را تشکیل می دهد که بزرگ ترین صندوق دارایی جهان است که دارایی های آن ۱٫۷ تریلیون دلار یا ۳۰۸ هزار دلار برای هر نروژی است.

<https://tinyurl.com/298epyxj>



پیامد مستقیم جنگ روسیه است، مطمئناً سهم بیشتری از آن ها باید به کسانی برسد که در خط مقدم می جنگند و می میرند تا کشورشان را آزاد نگه دارند. در عوض، دولت نروژ عملاً تصمیم

نروژ بیشتر از مجموع مشارکت های آمریکا و آلمان است، حمایت این کشور از اوکراین به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی، با ۰٫۷ درصد، تنها در رتبه نهم اروپا قرار دارد. با توجه به اینکه درآمدهای مازاد آن

استراتژیست

هاوارد هالند / کنات آنتون مورک |

هنگامی که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در ماه فوریه سال ۲۰۲۲ دستور حمله به اوکراین را صادر کرد، مطمئناً انتظار نداشت که یکی از همسایگان کشورش سود اصلی جنگ او را ببرد. با این حال، در حالی که صادرات هیدروکربن روسیه به اروپا در پی تهاجم به شدت کاهش یافت، نروژ به عنوان بزرگ ترین تامین کننده این قاره ظاهر شد.

به دلیل افزایش شدید قیمت گاز و نفت که پس از شروع جنگ اتفاق افتاد، نروژ در نهایت از یک درآمد با آورده مالی عظیم برخوردار شد. بر اساس برآوردهای اخیر وزارت دارایی، در سال های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، نزدیک به ۱٫۳ تریلیون کرون (۱۱۱ میلیارد دلار) درآمد اضافی از صادرات گاز به دست آورد. در حالی که درآمد با آورده دو ساله

پوتین اوکراین را به جای سوریه انتخاب کرد



فان افروز

الکساندر بانوف |

در سال ۲۰۱۵، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، برای کاهش انزوای بین المللی، بازگرداندن نفوذ روسیه در غرب آسیا و تبدیل کشورش به یک قدرت جهانی، نیروهای روسی را به سوریه فرستاد، اما با این حال، با فروپاشی نظام اسد، بسیاری از اهداف پوتین تحت تأثیر قرار گرفت و جنگ در اوکراین نیز انزوای روسیه را بیشتر کرد. در ابتدا، دخالت روسیه در سوریه به اوکراین مرتبط بود، اما به عنوان یک عملیات ضد تروریستی معرفی شد. کشورهای غربی نیز این مداخله را به عنوان همکاری در برابر یک دشمن مشترک پذیرفتند. روسیه روابط خود را با ایران برای حمایت از اسد تقویت کرد و مورد استقبال کشورهای غرب آسیا، آفریقا، آسیای میانه و آمریکای لاتین قرار گرفت. این کشورها روسیه را یک حامی قابل اعتماد برای دفاع از حکومت های متحد می دانستند.

موفقیت روسیه در دفاع از اسد باعث شد این کشور نفوذ خود را در منطقه نشان دهد و تجارت و سرمایه گذاری خود را با کشورهای

پوتین تلاش می کند تا تأکید بر دیدگاه های محافظه کارانه و مذهبی روسیه، این دولت را راضی نگه دارد. تمرکز پوتین بر شکست اوکراین، اهمیت سوریه را برای او کمتر کرده است. این تغییر تمرکز نشان دهنده آن است که روسیه به دنبال جاه طلبی های جهانی جدیدی است، اما این تصمیم خطرات جنگ را نیز افزایش می دهد.

<https://shorturl.at/IgWEU>

روسیه به نفع روابطشان با غرب باز دارد. با سقوط اسد، روسیه ممکن است پایگاه های نظامی خود در دریای مدیترانه را از دست بدهد. تمرکز روسیه بر جنگ اوکراین، به پوتین اجازه می دهد تا از پاسخگویی درباره هزینه های دخالت در سوریه و مشکلات آن فرار کند. مسکو اکنون ادعا می کند که زندگی و حکومت اسد را نجات داده است و با دولت جدید سوریه وارد مذاکره مستقیم شده است.

خلیج فارس، مانند امارات و قطر، افزایش دهد. این دستاوردها نقش جدید روسیه را در غرب آسیا تقویت کرد. روسیه نظام اسد را که اوکراین نشان دهنده آن است که پوتین آماده است همه چیز را برای پیروزی در جنگ اوکراین قربانی کند. روسیه جنگ در اوکراین را به عنوان نبردی برای نظم جهانی غیرمتمرکز و کمتر وابسته به غرب معرفی کرده است. سقوط اسد ممکن است کشورهای غیر غربی را از همکاری با

نبرد الیگارشی‌ها در آمریکا



«صفر خالص»، افرادی مانند لورن، بیوه استیو جابز، مایکل بلومبرگ، جف بزوس و جان دوتر، سرمایه‌دار مخاطره‌آمیز، به دنبال وادار کردن غرب به رقابت با انرژی گران‌تر و کمتر قابل اعتماد هستند، در حالی که چین و سایر کشورهای در حال توسعه از زغال سنگ، گاز و نفت برای آینده سبز استفاده می‌کنند.

تجارت یکی دیگر از مهم‌ترین مسائل است. طرح‌های تعرفه‌ای ترامپ مستقیماً شرکت‌ها و سرمایه‌گذارانی را تهدید می‌کند که ثروت خود را با تغییر شغل به خارج از کشور به دست می‌آورند. بایدن نیز سیاست را از تجارت آزاد دور کرد، اما برخی امیدوار بودند که هریس به آن بازگردد. این‌ها واقعیت‌های تلخ عصر طلایی کنونی ما هستند. به گفته پیو، ۸۰ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که اهداکنندگان ثروتمند قدرت زیادی دارند و حق با آن‌هاست. البته، قدرت الیگارشی متمرکز، صرف‌نظر از جهت‌گیری سیاسی آن، تهدیدی عمیق برای هر دموکراسی است.

در دنیای واقعی، خارج از اکوسیستم‌های سیاسی متفاوت، برای آمریکایی‌ها مهم است که از نبرد در حال ظهور بین الیگارشی‌ها استفاده کنند.

<https://B2n.ir/r50293>

دولت استروئیدی را مانعی در برابر جاه‌طلبی‌های خود می‌بیند. قدرت‌های فناوری مانند مارک اندرسن، دیوید ساکس و جامات پالیپیتیا، سرمایه‌داران ریسک‌پذیر که همراه با جو لوندیل و پیتر تیل، همگی وارد قطار ترامپ شده‌اند، نیز چنین نظری دارند.

ترامپ همچنین در شرکت‌های دفاعی پیشرفته مانند Anduril و Palantir که تسلیحات و فناوری پیشرفته تولید می‌کنند برای افزایش هزینه‌های نظامی و فضایی که احتمالاً در بودجه ترامپ انجام می‌شود، حامیانی را به دست می‌آورد. اتحاد آن‌ها با رئیس‌جمهور جدید ممکن است در مقایسه با شرکت‌های بزرگ قدیمی و با گرایش به دموکرات‌ها مانند بوئینگ مشکل‌ساز که به‌طور بی‌کفایتی اما متکی به ارتباطات DC هستند، اهرمی به آن‌ها بدهد. برای ماسک، ریاست جمهوری ترامپ کمک خیلی زیادی به او خواهد کرد.

مسائل اقلیمی یکی دیگر از موضوعات مهم است. حامیان هریس عمدتاً از صنایع سبز فوق‌العاده یارانه‌ای حمایت می‌کنند، اقداماتی مانند حذف وسایل گاز طبیعی و تولید خودرهای برقی. (از قضا، ماسک که به راحتی بزرگ‌ترین تولیدکننده خودرهای برقی در آمریکا است، با رد آن‌ها توسط ترامپ ظاهر می‌شود.) در تلاش برای رسیدن به

را از هم پاشید، حتی کارگزاران قدرت طرفدار دموکرات مانند جیمی دیمون، رئیس هیئت مدیره جی‌پی‌مورگان چیس، (بزرگ‌ترین بانک آمریکا بر پایه میزان دارایی) از ترامپ حمایت کردند، چیزی غیرمنتظره از مردی که باراک اوباما آن را بانکدار مورد علاقه خود می‌نامید. در تابستان ۲۰۲۴، سرمایه‌گذار بیل آکمن و برخی از میلیاردرهای برجسته که قبلاً نسبت به ترامپ شک داشتند، آشکارا از نامزدی او حمایت کردند و به متحدان فعلی مانند میریام ادلسون، جف یاس و تیموتی ملون پیوستند. مدیران انرژی نیز از ترامپ حمایت کردند. برخی از حامیان بزرگ مانند هارولد هام و کلسی وارن مانند کریس رایت، وزیر انرژی جدید پیشنهادی رئیس‌جمهور منتخب، پول خود را از سوخت‌های فسیلی به دست آوردند. بدون شک این مدیران از پیشنهاد ترامپ برای آزادسازی انرژی آمریکا و افزایش سود خود هیجان زده هستند.

بزرگ‌ترین تغییر در سیلیکون ولی رخ داد. تیوی تروی در کتاب «قدرت و پول» اشاره می‌کند که مبتکران فناوری، مدت‌ها سیاست را زیر پا گذاشته بودند، اما موج فزاینده مقررات در نهایت آن‌ها را مجبور کرد از فضاهای اداری خارج شوند و به اولین رده‌های اهداکنندگان بزرگ وارد شوند. ایلان ماسک به‌وضوح

اسپکتیتور جوئل کوتکین

پول و قدرت به ندرت غریبه بوده‌اند. اغلب وقتی نخبگان حاکم با یکدیگر می‌جنگند، ملت‌ها به لرزه در می‌آیند. امپراتوری بریتانیا بین تولیدکنندگان لیبرال و منافع اشرافی تقسیم شد که درگیری‌های آن‌ها به ظهور حزب کارگر و پایان امپراتوری سرعت بخشید. در آمریکا، مخالفت با تراست‌های قدرتمند، سیاست ترقی‌خواه را برای دهه‌ها تعریف کرد، و در نهایت مبنایی برای نیو دیل و دامنه وسیع‌تری برای دولت قرار داد. امروز در غرب شاهد شکاف مشابهی در میان طبقه ثروتمند هستیم که مظهر آن در آغوش گرفتن ایلان ماسک توسط دونالد ترامپ است که در حال تغییر شکل سیاست است. تا سال ۲۰۱۶، تشکیلات آمریکا، اعم از جمهوری خواه و دموکرات، دیدگاه‌های مشابهی در مورد امنیت ملی، تجارت جهانی و نهاد‌های چندجانبه داشتند.

اما زمانی که ترامپ علیه اصول جزمی حزب متحد صحبت کرد، بسیاری از حامیان حزب جمهوری خواه در وال استریت و در مجموعه‌های شرکتی با الیگارشی‌های دره سیلیکون و هالیوود که قبلاً گرایش جناح چپ داشتند، به نیروهای خود پیوستند. چهار سال از دولت بسیار ناتوان جو بایدن، این جبهه متحد

تناقضات سیاسی و پایان امپراتوری آمریکا!



آسیا تایمز ریچارد دی ولفا

حزب جمهوری خواه (GOP) که همیشه به عنوان حزب مخالف مالیات در آمریکا شناخته می‌شد، حالا وعده داده از تعرفه‌ها برای شروع جنگ‌های تجاری، اخراج مهاجران و مقابله با قاچاق مواد مخدر استفاده کند، اما تعرفه در واقع نوعی مالیات بر کالاها و خدمات وارداتی است، بنابراین، این حزب هم مخالف مالیات و هم حامی آن است!

همچنین، این حزب که قبلاً طرفدار دولت‌های محلی و دخالت حداقلی بود، اکنون از پرداخت یارانه‌های بزرگ به صنایع خاص و اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی به کشورها و شرکت‌هایی که دولت انتخاب می‌کند، حمایت می‌کند. این تغییرات و تناقضات عمیق‌تر را می‌توان در سیاست‌های دونالد ترامپ دید که نشان دهنده تحول جدید حزب جمهوری خواه است.

این حزب که همیشه به آزادی شرکت‌های خصوصی اعتقاد داشت، اکنون طرفدار کنترل بیشتر دولت بر شرکت‌هاست. آن‌ها تعیین می‌کنند شرکت‌ها در زمینه‌هایی مثل خدمات بهداشت باروری، داروها و واکسن‌ها چه محدودیت‌هایی دارا هستند. حزب جمهوری خواه که همیشه از «آزادی» حمایت می‌کرد، اکنون تلاش می‌کند حرکت آزادانه مردم بین مرزها را متوقف کند. علاوه بر این، به جای پایبندی به تجارت آزاد، سیاست‌های حمایت‌گرایانه اقتصادی را ترجیح می‌دهد.

دونالد ترامپ به خوبی این تناقضات را نشان می‌دهد. او از کنترل بیشتر دولت روی شرکت‌های خصوصی، بستن مرزها و سیاست‌های اقتصادی حمایت‌گرایانه (به جای تجارت آزاد) حمایت می‌کند.

برخی از اعضای کابینه ترامپ به نظرات سنتی حزب جمهوری خواه پایبند هستند، در حالی که برخی دیگر دیدگاه‌های جدید و غیرسنتی دارند. بعضی حتی هر دو رویکرد را هم‌زمان دارند. این تناقضات در پیام‌های حزب جمهوری خواه باعث سردرگمی در میان اعضای حزب و مردم شده است و ترامپ هم این تناقضات را حل نمی‌کند. فعلاً این ابهام به ترامپ قدرت می‌دهد، چون او در میان سردرگمی تصمیم می‌گیرد، اما در آینده، این تضادها باعث آشکار شدن

ضعف سیاست‌های او می‌شود و قدرتش را کاهش می‌دهد.

از طرف دیگر، حزب دموکرات از زمان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، به عنوان حزب کارگران، اتحادیه‌ها و اقلیت‌ها شناخته می‌شد، اما با این حال، ظهور گروه‌های «میان‌رو» در دهه‌های اخیر، این حزب را به سمت سیاست‌های راست‌گرایانه‌تر سوق داده است.

حزب دموکرات که زمانی حامی کارگران و اقلیت‌ها بود، در سال‌های اخیر بیشتر به طرف شرکت‌ها و میلیاردرها گرایش پیدا کرده است. آن‌ها با معرفی نامزدهای میانه‌رو و کنار گذاشتن جناح مترقی، سیاست‌ها و برنامه‌هایشان را تعدیل کرده‌اند.

رهبران میانه‌رو دموکرات‌ها تلاش کردند تا حمایت سنتی اتحادیه‌های کارگری، اقلیت‌ها و متخصصان تحصیل کرده را حفظ کنند، اما این تلاش‌ها چندان موفق نبود. این رویکرد باعث شد که حمایت دموکرات‌ها از گروه‌های معمولشان کاهش پیدا کند. در نتیجه، تأثیر دموکرات‌ها در این حوزه‌ها کم‌تر شد و در انتخابات سال ۲۰۲۴، شکست‌های عمیقی را تجربه کردند.

تناقضات موجود در هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات نشان می‌دهد که ممکن است تغییرات اساسی در راه باشد. یکی از این تغییرات، کاهش نفوذ جهانی آمریکا و متحدانش (مثل کشورهای گروه هفت) و رشد قدرت‌های جدید مانند چین،

بریکس و کشورهای جنوب جهانی است. تغییر دیگر، مشکلات اقتصادی داخلی آمریکا است. نابرابری‌های شدید ثروت و درآمد و بحران‌های اقتصادی مثل رکود و تورم، بدون راه‌حل باقی مانده‌اند.

در مجموع، هر دو حزب بزرگ آمریکا (جمهوری خواه و دموکرات) این تغییرات را انکار کرده‌اند، اما انکار باعث حل مشکلات نمی‌شود؛ بلکه اغلب شرایط را بدتر می‌کند تا زمانی که بحران‌های بزرگ‌تری ایجاد شود.

تضادهایی که در احزاب سیاسی و سیاست‌های اقتصادی وجود دارد، بر اقتصاددانان نیز تأثیر گذاشته است. بحث‌های قدیمی و حل‌نشده بین اقتصاددانان باعث شده سیاست‌ها و سیاستمداران نتوانند به‌طور مؤثری مشکلات اقتصادی را که مردم به عنوان یک سیستم شکسته می‌بینند، حل کنند. از زمان آدام اسمیت و دیوید ریکاردو تا جان مینارد کینز، اقتصاددانان درگیر یک بحث طولانی و پیچیده بوده‌اند:

آیاسیستم سرمایه‌داری با کمترین دخالت دولت (مدل نئوکلاسیک) بهتر عمل می‌کند یا با دخالت‌های بیشتر دولت (مدل کینزی)؟ یا شاید ترکیبی از این دو بهتر باشد؟

این بحث قدیمی که دهه‌هاست در کلاس‌های اقتصاد تدریس می‌شود، همچنان در سیاست‌ها و گفت‌وگوهای عمومی دیده می‌شود، اما گاهی

سیاست‌مداران متوجه می‌شوند که این نظریه‌ها با واقعیت‌های بسیار فاصله دارند. بحث «دخالت دولت یا بازار آزاد» مانع از آن شده که ایده‌های جدید و جایگزین در اقتصاد مطرح شود. یکی از این ایده‌ها، بررسی این موضوع است که آیا در سازمان‌های تولیدی، مدل معمول کارفرما-کارمند بهتر بوده یا مدل‌های دموکراتیک‌تر و برابرتر می‌تواند بهتر عمل کند؟ این بحث به موضوعاتی مانند حفظ محیط زیست، کاهش نابرابری درآمد، ایجاد ثبات اقتصادی و بهبود سلامت جامعه مربوط می‌شود.

امروزه تناقضاتی وجود دارد که ریشه در سنت‌های قدیمی اقتصادی دارد. برای مثال، کشورهایی مثل آمریکا، انگلیس، اروپا، چین و هند هم از سیاست‌های حمایت‌گرایانه و هم از تجارت آزاد حمایت می‌کنند، اما تجربه تاریخی رشد اقتصادی بیشتر به سمت ترجیحات خصوصی تمایل داشته است.

در نهایت، بحث‌های قدیمی دیگر به مسائل جدید مثل ظهور قدرت‌های اقتصادی بریکس و کاهش نفوذ گروه هفت و دلار آمریکا نمی‌پردازند، اما اقتصاددانان و سیاست‌مداران همچنان به همان بحث‌های قدیمی ادامه می‌دهند، در حالی که موجی از تغییرات بزرگ همچنان بر اقتصاد جهانی و سیستم سرمایه‌داری آمریکا تأثیر می‌گذارد.

<https://shorturl.at/cUkKB>

ارکان سیاست ترکیه در خصوص سوریه

امنیت اقلیت‌های مذهبی و قومی، مبارزه با همه عناصر تروریستی و ایجاد زمینه تسهیل برای بازگشت پناهجویان به سوریه همکاری می‌کند.

ترکیه نیاز به مدیریت موازنه‌های ژئوپلیتیکی در سوریه نوظهور را با اتخاذ رویکردی متوازن و عمل‌گرا تشخیص می‌دهد. آنکارا با آگاهی کامل از خطرات، تلاش‌های سیاست خارجی خود در سوریه در ماه‌های آینده را برای کاهش چالش‌ها در اولویت قرار داده است.

مهم‌ترین این خطرات احتمال درگیری مسلحانه ناشی از اختلافات درون و بین جناح‌های نظامی است؛ بنابراین، دستیابی به درگیری‌زدایی بین جناح‌های نظامی از اولویت‌های ترکیه است. اگرچه آنکارا مسئله‌ی پ‌ک را یک تهدید امنیتی مهم می‌داند، اما معتقد است که این موضوع بر عهده دولت جدید دمشق در دوره پس از اسد است. آنکارا اذعان دارد که نفوذ ایران در سوریه کاهش یافته است، اما حمایت دیپلماتیک تهران را در شکل‌دهی سوریه جدید ارزشمند می‌داند. با این حال، این رویکرد به این معنا نیست که ایران همان سطح نفوذی را که در گذشته داشت حفظ خواهد کرد. در این میان، روسیه همچنان یک بازیگر مهم برای آنکارا است.

سوریه جدید به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی آنکارا ظاهر شده است. ۱۳ سال تجربه و درس‌های آموخته شده بر نیاز به یک رویکرد عمل‌گرایانه تاکید می‌کند. تلاش‌های دیپلماتیک اخیر نشان داده که آنکارا این عمل‌گرایی را پذیرفته است.

<https://tinyurl.com/22m254av>



تا رویکرد انعطاف‌پذیرتری را توسعه دهد و زمینه‌ای را ایجاد کند که بتواند مستقیماً به آینده سیاسی سوریه کمک کند. از سوی دیگر، آنکارا مدت‌هاست که در هماهنگی با نیروهای مخالف برای حفظ محیط کاهش تنش در سوریه، جلوگیری از حملات اسد به ادلب، اجرای مکانیسم‌های حکومت‌داری محلی در ادلب، محدود کردن جابجایی آوارگان و مبارزه با تروریست‌های تندرو کار می‌کند.

دولت رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در تغییر شکل سیاست خود در سوریه، یک سیاست پیشگیرانه ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین ارکان سیاست پیشگیرانه، ایجاد اقتدار متمرکز برای تضمین امنیت و ثبات است. به همین دلیل، ترکیه از نزدیک با دولت جدید دمشق برای ایجاد یک دولت فراگیر، تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی، تامین

دیلی صباح مورات بشیلناش |

پس از فروپاشی حکومت بشار اسد، ترکیه در حال آماده شدن برای «تغییر الگوی» در سیاست خود در سوریه است. قبل از روز ۸ دسامبر، رویکرد ترکیه به سوریه بر مبارزه با تروریسم و مشکل پناهندگان متمرکز بود. حفظ تمامیت ارضی سوریه از طریق عادی‌سازی با حکومت اسد، تضعیف ی‌پ‌گ (یگان‌های مدافع خلق) [YPG] شاخه سوریه‌ای پ‌ک (حزب کارگران کردستان) [PKK]، تسهیل بازگشت آوارگان به سوریه و راه‌حل سیاسی در چارچوب قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل از ارکان اصلی سیاست آنکارا در قبال سوریه بود. علاوه بر این، ضمن تعدیل سیاست سوریه با روسیه و ایران در چارچوب فرمت آستانه، به دنبال حل مشکل ی‌پ‌گ با آمریکان نیز بود. با این حال، پس از سقوط اسد در روز ۸ دسامبر، ترکیه در سیاست خود در سوریه تجدیدنظر کرد و چارچوب استراتژیک جدیدی را مطابق با واقعیت‌های عصر جدید ایجاد کرد. در حالی که دولت رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه قبل از اسد رویکردی تفکیک‌شده در قبال سوریه داشت، اکنون در حال ایجاد یک استراتژی جامع برای سوریه است. هدف اصلی استراتژی آنکارا ایجاد ثبات در تمام سوریه است.

بسیاری از فرصت‌ها را می‌توان به عنوان مزیت‌های استراتژیک ترکیه در سوریه در دوره جدید دانست. اول و مهم‌تر از همه، از جمله سقوط حکومت اسد است. ترکیه مجبور نیست به استراتژی ادامه دهد که باید اسد و رژیم بعث را برای ایجاد ثبات در سوریه در نظر بگیرد. این امر به ترکیه اجازه می‌دهد

رویترز

گفت‌وگوی وزیر خارجه ترکیه با بلینکن در مورد لزوم همکاری با دولت جدید سوریه

وزیر امور خارجه آمریکا و ترکیه روز شنبه هشتم دی در مورد «لزوم اقدام برای همکاری» با حکومت جدید سوریه به منظور «اطمینان یافتن از تکمیل دوره انتقال به شیوه‌ای منظم» گفت‌وگو کردند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه گفت: «هاکان فییدان در تماس تلفنی به آنتونی بلینکن گفت که آنکارا اجازه نخواهد داد شبه‌نظامیان کرد «یگان‌های مدافع خلق» در سوریه پناه بگیرند.

ترکیه، «یگان‌های مدافع خلق» سوریه را که بخش اصلی ائتلاف «نیروهای دموکراتیک سوریه» است، مرتبط با حزب کارگران کردستان، پ‌ک، می‌داند.

ترکیه و متحدان غربی‌اش پ‌ک را یک سازمان «تروریستی» می‌دانند. یگان‌های مدافع خلق بخشی از نیروهای دموکراتیک سوریه است که در مبارزه با گروه تروریستی داعش، با آمریکا همکاری داشته است.

داعش هنوز در سوریه فعال است و آمریکا مواضع آن را پس از سقوط بشار اسد نیز بمباران کرده است.

<https://B2n.ir/z83506>

سایر خبرها

آروتز شوا

بایدنگران

حکومت اسلام‌گرای سوریه بود

شماری از رسانه‌های اسرائیلی به نقل از وزیر خارجه این رژیم می‌گویند که حکومت جدید اسلام‌گرای سوریه باید باعث «نگرانی» دولت یهود شود.

به نوشته «آروتز شوا»، ساعر در جریان یک نشست در وزارت خارجه اسرائیل گفت: «در سراسر جهان صحبت از تغییر سازمان یافته نظام در سوریه می‌شود، اما این طور نیست که یک دولت جدید به شیوه‌ای دموکراتیک انتخاب شده باشد و بر تمام سوریه حکومت کند».

او حکومت جدید را «گروهی از تروریست‌ها» دانسته است که ابتدا در ادلب بودند و سپس دمشق و مناطق دیگر را به تصرف درآوردند».

وزیر خارجه اسرائیل تأکید کرد: «جهان واقعاً می‌خواهد این دولت را به عنوان یک نظام جدید و باثبات ببیند، زیرا کشورها مایل به بازگرداندن پناهجویان سوریه خود هستند».

گیدئون ساعر حکومت جدید سوریه را «یک رژیم اسلام‌گرا» نامید که تلاش خواهد کرد تمام این کشور را تحت کنترل خود درآورد.

<https://B2n.ir/g29007>

سوریه را به سوری‌ها بسپارید



امریکن کانزوتیو داگ بندوا

از نظر بسیاری از سیاست‌گذاران واشنگتن، سوریه مانند هتل کالیفرنیا است: می‌توانید تسویه حساب کنید، اما هرگز آن را ترک نکنید. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب باید اشتباه دوره اول خود را جبران و نیروهای آمریکایی را از سوریه خارج کند.

بشار اسد که دولت‌های متوالی آمریکا به دنبال برکناری او به عنوان رئیس‌جمهور سوریه بودند، با جنگ و درگیری مختصری ترک قدرت کرد. دولت اسلامی یا داعش، دیگر هدف عملیات نظامی آمریکا، به عنوان یک خاطره بد باقی مانده است. دشمنان واشنگتن به ویژه روسیه و ایران از نظر ژئوپلیتیکی شکست بزرگی متحمل شدند. دیگر هیچ بهانه‌ای برای دخالت آمریکا در سوریه وجود ندارد. بهار عربی در سال ۲۰۱۱ با شروع تظاهرات علیه اسد که به شدت آن را سرکوب کرد و منجر به جنگ داخلی چندجانبه شد، به سوریه رسید. اگرچه سوریه هرگز یک منافع امنیتی جدی برای آمریکا نبود، اما دولت او با ما با این فرض که می‌تواند یک جنگ داخلی وحشیانه و چندجانبه را به تحت نظر خود درآورد، وارد معارضه شد. با این وجود، مهدی حسن، روزنامه‌نگار انگلیسی گزارش داد، دولت آمریکا یکی از «کسانی است که مسئول تسلیح و حمایت از برخی از اراذل و اوباش‌ترین گروه‌های شورشی سوریه است.» شورشیان آموزش دیده توسط دولت کمی بهتر از دشمنان خود بودند، زیرا «به‌طور خلاصه زندانیان را اعدام کرده و سایر قوانین درگیری مسلحانه را نقض

کردند.» حتی جبهه النصره، گروه وابسته به القاعده، به‌طور غیرمستقیم کمک‌های آمریکا را دریافت می‌کرد که اغلب از دیگر کارآموزان آمریکایی اسیر یا به آن‌ها هدیه می‌شد.

واشنگتن همچنین برای از بین بردن «خلافت» داعش با اتکا به ائتلاف تحت سلطه کردها، نیروهای دموکراتیک سوریه، مداخله کرد. ترکیه، متحد ناتو، مخالف اسد بود، اما در ابتدا به داعش کمک کرد. آنکارا بعداً دو گروه شورشی را در ارتش ملی سوریه متحد کرد که چندین حمله وحشیانه را علیه کردها و شبه‌نظامیان آن‌ها، «یگان‌های مدافع خلق» [YPG] آغاز کردند. «ارتش ملی سوریه» [SNA] مرتکب «انبوهی از تخلفات، از جمله قتل‌های ناگهانی نیروهای کرد، فعالان سیاسی و امدادگران

اضطرابی، غارت و مصادره اموال» شد و حتی پرسنل آمریکایی را تهدید کرد.

ایران که هیچ تهدید و خطری برای آمریکا ندارد، با سقوط اسد و حمله قبلی اسرائیل به حزب الله به شدت تضعیف شده است. حضور کم‌رنگ روسیه در سوریه که اکنون ممکن است به خواست خودش ناپدید شود نیز اهمیت چندانی ندارد. واشنگتن حتی در دوران جنگ سرد، زمانی که دمشق به یک مشتری شوروی تبدیل شد، به طرز چشمگیری بر مسکو در غرب آسیا برتری داشت و امروز بسیار مسلط‌تر است.

پس از شکست داعش، واشنگتن ظاهراً پادگان خود را به عنوان پیشگیری از ظهور مجدد داعش حفظ کرد، اما در عمل پنتاگون امیدوار بود از کردها در برابر ترکیه محافظت کند. دستور دور اول ترامپ برای خروج نیروهای آمریکایی از سوریه انتقادهای غیرمعمولی تند و حتی پرتنش را به همراه داشت و با آنچه که ستون پنجم در دولت او بود شکست خورد.

پس از فروپاشی اسد نیز خواسته‌های مشابهی مبنی بر باقی ماندن آمریکا مطرح شده است. به عنوان مثال، صالح و برادوست استدلال می‌کنند که آمریکا باید از شرکای کرد و عرب خود برای جلوگیری از بحران انسانی و امنیتی قریب الوقوع، میانجیگری بین نیروهای دموکراتیک سوریه و ترکیه و حفظ اهرم فشار در شکل دادن به آینده سوریه در بنبوحه ژئوپلیتیک منطقه‌ای در حال تحول، حمایت کند.

<https://tinyurl.com/23nf65m2>

العربيه

به دنبال ایجاد روابط مهم و راهبردی با مصر هستیم

اسعد حسن الشیبانی، وزیر خارجه در دولت موقت سوریه، بر تمایل کشورش برای پایه‌گذاری روابط مهم و استراتژیک با مصر تأکید کرد. اسعد الشیبانی، وزیر خارجه دولت جدید سوریه، شنبه هشتم دی در پیامی در پلتفرم «ایکس» اعلام کرد که دولت وی به دنبال ایجاد «روابط مهم و راهبردی با جمهوری عربی مصر بر پایه احترام به حاکمیت و کشور و عدم مداخله در امور داخلی آن‌ها» است. از سوی دیگر، یک منبع آگاه مصری فاش کرد که اخبار منتشرشده در رسانه‌ها مبنی بر سفر قریب‌الوقوع بدر عبدالعاطی، وزیر خارجه این کشور به سوریه برای دیدار با احمد الشرع، فرمانده کل دولت جدید سوریه، نادرست است. این منبع افزود که وزیر خارجه مصر در حال حاضر در سفر آفریقایی به کشور چاد است و روز شنبه به قاهره باز خواهد گشت تا با همتای سودانی خود در قاهره، پایتخت مصر ملاقات کند.

<https://B2n.ir/k54803>

سایر خبرها

نیوزویک

جنگ‌های اسرائیل در غرب آسیا تا سال آینده پایان می‌یابد؟

با توجه به بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، وبسایت نیوزویک از کارشناسان بین‌المللی این سوال را پرسیده است که آیا در سال ۲۰۲۵ جنگ‌های اسرائیل در غرب آسیا پایان خواهد یافت؟ فواز جرجیس، استاد روابط بین‌الملل در دانشکده اقتصاد لندن، در پاسخ به این سوال گفت: درگیری ۱۰۰ ساله اسرائیل و فلسطین تنها زمانی پایان خواهد یافت که دولت یهودیه اشغال سرزمین‌های فلسطینی پایان و به همسایگان خود حق تعیین سرنوشت بدهد. به اعتقاد من، دور کنونی این خصومت‌های شدید در سال ۲۰۲۵ پایان خواهد یافت. آیال زایسر، معاون رئیس دانشگاه تل‌آویو گفت: کسی که قرار است تصمیم بگیرد که آیا جنگ در منطقه به پایان خواهد رسید و فشار اقتصادی جایگزین فشار نظامی علیه ایران خواهد شد یا خیر، دونالد ترامپ است. لیور بی، استرنفلد، استاد تاریخ و مطالعات یهودی در دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا می‌گوید: اسرائیل بدون فشار خارجی به جنگ پایان نخواهد داد. آوی شلیم، استاد بازنشسته روابط بین‌الملل دانشگاه آکسفورد نیز اعتقاد دارد که «بعید است در سال ۲۰۲۵، جنگ‌های اسرائیل در غرب آسیا پایان یابد».

<https://B2n.ir/m74292>

معنای دور دوم ریاست جمهوری ترامپ برای آسیای میانه چیست؟



آسیا تایمز تالکات کابدیگالی

دونالد ترامپ در دوران ریاست جمهوری خود، رویکرد سیاست خارجی را معرفی کرد که تعامل آمریکا با آسیای میانه را دوباره تنظیم نمود. مناطقی که از نظر استراتژیک بحرانی است، اما تحت الشعاع نفوذ چین و روسیه قرار گرفته است. سیاست‌های ترامپ، با هدف قرار دادن «CRINK» یا همان اتحاد چین، روسیه، ایران و کره شمالی، با هدف تقویت خودمختاری منطقه‌ای و مقابله با وابستگی خارجی متمرکز شده است. این تغییر سیاست با هدف مقابله با نفوذ جهانی «محور شرارت» به منطقه حیاتی آسیای میانه گسترش یافته است. علاوه بر این، از نظر جغرافیایی این منطقه بین روسیه و چین قرار دارد و به عنوان یک پل حیاتی برای منافع آمریکا عمل می‌کند. کشورهای «محور شرارت» در استراتژی‌های منطقه‌ای خود، هجوم‌های قابل توجهی در آسیای میانه داشته‌اند. علاوه بر این، هر کشوری از طریق راه‌های اقتصادی، سیاسی یا نظامی به دنبال نفوذ است. به عنوان مثال، ابتکار کمربند و جاده چین (BRI) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا روسیه، به عنوان نیروهای اصلی در تغییر شکل دادن به اقتصاد آسیای میانه و همچنین زیرساخت‌هایش مورد توجه قرار گرفته‌اند. در سال ۲۰۱۳، ابتکار کمربند و جاده چین راه اندازی شد که میلیارد دلار را به بخش سرمایه‌گذاری در جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و دیگر پروژه‌های زیربنایی در آسیای میانه هدایت کرد و به دنبال ایجاد مسیرهای تجاری جدید برای اتصال آسیا به اروپا بود. از سوی دیگر، روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا خود را به عنوان یک بلوک تجاری که هدف آن تقویت یکپارچگی اقتصادی میان آسیای میانه و کشورهای همسایه است، ترویج کرده است. این ابتکارات انگیزه‌های اقتصادی را برای آسیای میانه فراهم کرده است، اما همچنین اتکالی آن را به قدرت‌های خارجی، به ویژه چین و روسیه نیز تشدید کرده است. ترامپ در دوران ریاست جمهوری خود بر استراتژی متمرکز «محور شرارت» تأکید کرد که بر حاکمیت آسیای میانه و کاهش وابستگی به چین و روسیه برتری داشت. این استراتژی زمینه را برای تعامل آمریکا در منطقه ایجاد کرد و بر جهت‌گیری‌های سیاست فعلی تأثیر گذاشت. در سال ۲۰۲۰، دولت ترامپ از یک استراتژی جامع

برای آسیای میانه پرده برداری کرد که اولین تلاش در راهبرد این نقشه در بیش از دودهه گذشته بود. این سیاست بر حمایت آمریکا از همکاری امنیتی و دفاعی تشکیل شده و همچنین شامل کمک مالی به تاجیکستان و آموزش نظامی برای قزاقستان و ازبکستان نیز می‌شد. این اقدامات، اگرچه در دوران ترامپ آغاز شد، اما همچنان به رویکردهای فعلی آمریکا برای مبارزه با تروریسم و تقویت ثبات منطقه‌ای شکل می‌دهد. به عنوان مثال، آمریکا ابتکار «C5+1» را به عنوان بستر گفت‌وگو بین آمریکا و پنج کشور آسیای میانه (قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان) ایجاد کرده است. این برنامه بیشتر برای ارتقای اهداف متقابل در امنیت منطقه‌ای، توسعه اقتصادی و انعطاف‌پذیری محیطی توسعه یافت. همکاری امنیتی یک جنبه حیاتی از این استراتژی آمریکا است که تهدیدات تروریسم و همچنین بی‌ثباتی بالقوه در حاشیه «محور شرارت» را ایجاد کرده است. به ویژه، نزدیکی افغانستان به آسیای میانه هم خطرات و هم فرصت‌هایی را برای این کشورها به همراه دارد. آمریکا برای تقویت امنیت مرزی و مقابله با قاچاق مواد مخدر از تاجیکستان حمایت مالی کرده است. علاوه بر این، آمریکا ضمن کمک به قزاقستان و ازبکستان با آموزش

حمایت می‌کند. حمایت از اصلاحات سیاسی و اجتماعی سنگ بنای استراتژی ترامپ بوده است، به ویژه در حمایت از تلاش‌های نوسازی حکومت در ازبکستان و قزاقستان که بسیار به چشم می‌خورد. این میراث همچنان ادامه دارد، زیرا آمریکا به تشویق همکاری و ثبات منطقه‌ای از طریق ابتکارات مشابه ادامه می‌دهد. هدف آمریکا نوسازی ساختارهای حکومتی و کاهش فساد در چنین کشورهایی بوده است. ارتباط ازبکستان با کشورهای همسایه، مانند تاجیکستان و قرقیزستان نیز مورد استقبال مثبت آمریکا قرار گرفته است که همکاری و ثبات منطقه‌ای را در این مناطق تقویت کرده است. به طور خلاصه، ریاست جمهوری ترامپ یک استراتژی متمرکز بر خرد را ایجاد کرد که ابتکارات امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک را برای تقویت استقلال آسیای میانه در هم تنیده است. در حالی که سیاست دولت فعلی نامشخص است، اما مراحل اولیه آن حاکی از تداوم تلاش‌های قبلی و قرار دادن آمریکا به عنوان یک وزن سنگین تر نسبت به چین و روسیه است. اگرچه وزن آمریکا با سرمایه‌گذاری چین یا روسیه در منطقه مطابقت ندارد، اما آمریکا خود را به عنوان یک شریک جایگزین متعهد به حاکمیت و ثبات منطقه‌ای می‌تواند تثبیت کند.

<https://tinyurl.com/2dadpkrx>

کنترل تسلیحات در فضا به انگیزه نیاز دارد



بنابراین، متقاعد کردن روسیه برای شرکت در مذاکرات کنترل تسلیحات پیرامون تسلیحات هسته‌ای ضد ماهواره، اساساً به توانایی آمریکا برای افزایش معنادار مخاطرات روسیه به همان روشی که روسیه آن‌ها را برای آمریکا مطرح کرده است، بستگی دارد. عاقلانه‌ترین گزینه برای سیاست‌گذاران هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی روسیه، به‌ویژه استخراج نفت و گاز طبیعی آن است. در حالت ایده آل، چنین حملاتی با هدف به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان انجام می‌شود. تمرین‌های نظامی که نشان‌دهنده توانایی آمریکا برای انجام چنین حملاتی در یک محیط ماهواره‌ای انکار شده است برای این تلاش‌ها ضروری خواهد بود.

مذاکرات کنترل تسلیحات با هدف محدود کردن ساخت یک سلاح ضد ماهواره‌ای هسته‌ای توسط روسیه، بدون نشان دادن نوعی تمایل آمریکا برای وارد کردن سطوح آسیب متناسب با ویرانی که چنین سلاحی ایجاد می‌کند، عملاً غیرممکن است. بدون انگیزه روشن برای کشاندن روسیه به میز مذاکره، تلاش‌های آمریکا برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در فضا هیچ نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت.

<https://B2n.ir/m83098>

بی‌حد و حصر به اهداف روی زمین می‌شود، به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است تا درخواست تلافی جویانه آن را داشته باشد. حمله دوم که اولین حمله‌ای بود که باعث چنین سطوحی از تخریب شد، بار تشدید شدیدتر را بر دوش پاسخ‌دهنده قرار می‌دهد تا کسی که حمله اولیه را انجام می‌دهد.

مسئله دوم این است که روسیه بسیار کمتر از آمریکا با متحدانش به دسترسی به فضا وابسته است؛ بنابراین خطرات روسیه برای آن بسیار کمتر از آمریکا است. رهبران نظامی آمریکا مستقیماً از این موضوع به‌عنوان انگیزه اصلی روسیه برای توسعه سلاح هسته‌ای ضد ماهواره یاد کرده‌اند.

در حالی که ماهواره‌های روسیه نیز با انفجار یک سلاح هسته‌ای در فضا از بین می‌روند، پیامدهای چنین اقدامی برای آن بسیار کمتر از آمریکا مخرب خواهد بود. به این ترتیب، انگیزه کمی برای شرکت در گفت‌وگوهایی با هدف توقف توسعه تسلیحاتی که به آمریکا و متحدانش بیشتر از روسیه آسیب می‌زند، وجود ندارد. به این ترتیب، انگیزه اساسی برای آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی برای مشارکت صادقانه در بحث‌های کنترل تسلیحات در طول جنگ سرد (علاقه به جلوگیری از جنگ هسته‌ای) صرفاً در فضا وجود ندارد.

مخرب سلاح‌های هسته‌ای عمل کرده است. در حالی که تلاش‌های کنترل تسلیحات در طول جنگ سرد هرگز خطر جنگ هسته‌ای را حذف نکرد، اما به ایجاد ثبات استراتژیک مبتنی بر قابلیت‌های قابل اعتماد، برابری هسته‌ای و منافع متقابل در اجتناب از جنگ هسته‌ای کمک کرد. حتی امروزه، پنج کشور دارای سلاح هسته‌ای در اصل بر درک خود تأکید کرده‌اند که «جنگ هسته‌ای را نمی‌توان پیروز شد و هرگز نباید در آن جنگید.» مشکل این است که این پویایی‌ها صرفاً در فضا وجود ندارند که انگیزه‌های هر دو طرف را برای شرکت در مذاکرات کنترل تسلیحات پیچیده می‌کند.

دو موضوع کلیدی وجود دارد که باید بررسی شود. اولین مورد این است که حمله اتمی در فضا مستقیماً کسی را روی زمین نمی‌کشد. منفجر کردن یک سلاح ضد ماهواره‌ای مجهز به سلاح هسته‌ای توسط روسیه از آستانه هسته‌ای عبور می‌کند به گونه‌ای که ویرانی جدی برای آمریکا و متحدانش به همراه خواهد داشت، اما از وحشتناک‌ترین عواقب استفاده از یک سلاح هسته‌ای جلوگیری می‌شود. این امر اساساً پویایی ذاتی در اولین حمله هسته‌ای را تغییر می‌دهد. اولین حمله‌ای که باعث ویرانی

ریل کلیر دیفنس لوک ویدنهاوس

از زمان افشای روسیه در ماه فوریه مبنی بر اینکه روسیه در حال توسعه یک سلاح ضد ماهواره مجهز به سلاح هسته‌ای است، بسیاری از تلاش‌های دولت آمریکا در واکنش به این موضوع بر تلاش برای جلوگیری از دستیابی روسیه به چنین قابلیت‌های در وهله اول متمرکز شده است. تحلیل‌های خارجی در مورد این موضوع همچنین بر کنترل تسلیحات و اهرم‌های دیپلماتیک متمرکز است که آمریکا ممکن است بتواند از آن علیه روسیه استفاده کند. مشکل این است که این تلاش‌ها فرض می‌کنند که کنترل تسلیحات هسته‌ای در فضا به همان شیوه‌ای عمل می‌کند که در زمین انجام می‌شود؛ اما اینطور نیست. درک این موضوع که چرا برای ایجاد یک استراتژی مناسب برای محدود کردن تلاش روسیه برای دستیابی به سلاح هسته‌ای ضد ماهواره بسیار مهم است.

کنترل تسلیحات بسیار پیچیده است که توسط بسیاری از پویایی‌های عمدتاً نامشهود هدایت می‌شود که بازدارندگی هسته‌ای و مدیریت تشدید را شکل می‌دهند. با این حال، کنترل تسلیحات هسته‌ای به دلیل پتانسیل

دیفنس نیوز / جرارد اودور

فنلاند به دنبال افزایش هزینه‌های دفاعی است

امنیتی بلندمدتی برای اروپا و فنلاند خواهد بود. پاتولی آلتو-ستالا، عضو پارلمان از حزب ائتلاف ملی گفت: افزایش هزینه‌های فنلاند برای دفاع نشان دهنده پیامد طبیعی عضویت این کشور در ناتو است، اما همچنین بازتابی از افزایش سطح تهدید ناشی از «توسعه طلبی نظامی روسیه» است. روسیه یک کشور تروریستی معتاد به جنگ است که در حال حاضر در حال جنگی تمام‌عیار با همسایه خود است. این واقعیتی است که ما با آن روبرو هستیم و فنلاند، به عنوان بخشی از ناتو و با شرکای اروپایی ما، باید مطابق با آن عمل کند. بودجه دفاعی فنلاند از سال ۲۰۲۰ که به ۳٫۵ میلیارد دلار رسید، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. تعدادی از خرید بلیط‌های بزرگ، از جمله قرارداد ۸٫۸ میلیارد دلاری برای خرید ۶۴ جنگنده لاکهید مارتین اف-۳۵ لایتنینگ ۲، شاهد افزایش بودجه دفاعی به ۶٫۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ بود.

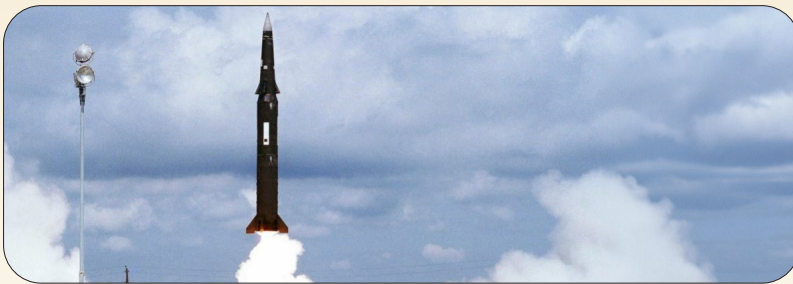
<https://tinyurl.com/2d6lv4t4>

سرمایه‌گذاری بیشتر در دفاع و امنیت ملی برای تقویت توانایی ما برای مقابله با نفوذ گسترده، مقاومت در برابر فشار نظامی و مبارزه با جنگ‌های بالقوه در مقیاس بزرگ که ممکن است سال‌ها طول بکشد، مورد نیاز است. در نتیجه، ما دفاع ملی را اصلاح خواهیم کرد و در عین حال پروژه‌های عمده در حال انجام در نیروی هوایی و نیروی دریایی خود را به خط پایان خواهیم رساند. دولت فنلاند گزارش دفاعی به روز شده‌ای را در روز ۱۹ دسامبر به ادوسکونتا ارائه کرد که اولین گزارش از زمان پیوستن این کشور به ناتو در ماه آوریل سال ۲۰۲۳ بود. این گزارش بر افزایش خطرات و تهدیدات امنیتی ناشی از روسیه تأکید دارد. این گزارش در مورد خطر تصمیم‌روسیه برای گسترش جنگ خود با اوکراین به کشورهای همسایه بالتیک و کشورهای عضو اتحادیه اروپا هشدار می‌دهد. در گزارش دفاعی آمده است: «روسیه به سمت رویارویی بازتر، غیرقابل پیش‌بینی‌تر و طولانی‌تر با غرب حرکت کرده است که همچنان تهدید

دولت فنلاند به رهبری محافظه‌کاران از طرحی گسترده برای افزایش هزینه‌های دفاعی از ۶٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ به ۱۱٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۲ رونمایی کرده است. پیشنهاد دولت که حمایت اکثریت احزاب مخالف اصلی در ادوسکونتا (مجلس فنلاند) را به دست آورده است، هزینه‌های دفاعی فنلاند را به ۳٫۳ درصد تولید ناخالص داخلی نزدیک‌تر می‌کند و آن را بسیار بالاتر از دستورالعمل ۲ درصدی ناتو قرار می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود هزینه‌های دفاعی فنلاند در سال ۲۰۲۴ به حدود ۲٫۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور برسد. آنتی‌هاکانن، وزیر دفاع فنلاند گفت که سرد شدن روابط سیاسی بین هلند و مسکو در پس‌زمینه جنگ در اوکراین همچنان به تقویت حمایت سیاسی و عمومی برای افزایش هزینه‌های فنلاند برای امنیت ملی ادامه می‌دهد. پیش‌بینی وضعیت امنیتی در فنلاند و منطقه دشوار است. می‌تواند به سرعت خراب شود.

دیفنس اکسپرس

هیچ‌گنبد آهنینی نمی‌تواند از اروپا در برابر روسیه محافظت کند



هدف قرار می‌دادند به نفع اروپا بود، اما حتی پس از آن همه سیگنال‌های روسیه، اروپا در این ۱۰ سال اقدام چندان معناداری برای پرداختن به واقعیت جدید انجام نداد.

در سال ۲۰۲۳ بود که آلمان سیستم پدافند موشکی «ختس ۳» را به اسرائیل سفارش داد، سکویی که قادر به رهگیری موشک‌های بالستیک میان‌برد است. اروپا تنها در سال ۲۰۲۴ پروژه رویکرد حمل‌بلند اروپایی [ELSA] را برای توسعه قابلیت‌های موشکی حمله عمیق خود راه‌اندازی کرد.

<https://tinyurl.com/2yzlnoot>

پاسخ دهید. بازدارندگی راهی است برای فشار بر دشمن قبل از اینکه به سراغ شما بیاید. او باید قبل از اینکه اعمالش را انجام دهد به عواقب آن فکر کند. از سوی دیگر، نمی‌توانیم به شما یادآوری نکنیم که فدراسیون روسیه پس از سال‌ها نقض نظام‌مند معاهده منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد در سال ۲۰۱۹، همان‌طور که در سال ۲۰۱۴ علناً فاش شد، از آن خارج شد. اگرچه این توافق نامه امضای آمریکا بر روی کاغذ بود، اما این توافق در درجه اول با محدود کردن موشک‌های بالستیک میان‌برد شوروی که کشورهای اروپایی را

ایده ایجاد یک سیستم پدافند موشکی قوی در اروپا، شبیه به گنبد آهنین اسرائیل، برای محافظت در برابر موشک‌های بالستیک روسی غیرعملی است. تنها تضمین قابل اعتماد برابری در قابلیت‌های ضربه‌های دوبرد است.

این نظری است که دریا سالار پیر واندیه، فرمانده جدید عالی نیروهای متفقین ناتو (منصوب در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۴) در مصاحبه با دیفنس نیوز به اشتراک گذاشته است.

برای ناتو، این مسئله تعادل بین بازدارندگی و دفاع را مطرح می‌کند. شما محدودیت‌های گنبد آهنین را در اسرائیل مشاهده کرده‌اید، با توجه به وسعت اروپا، ایده خلاص شدن از تهدید با ایجاد یک گنبد آهنین اروپایی فقط یک ایده است، غیرممکن است. در یادداشتی از دیفنس اکسپرس، در اینجا اشاره‌واندیه به «گنبد آهنین» به معنای کل سیستم پدافند موشکی اسرائیل است، نه تنها یک جزء واحد به همین نام. وی توضیح داد: «شما باید تلافی کنید. ثبات توانایی تلافی است.» «اگر روسیه ابزاری برای ضربه زدن به اروپا در عمق ۲ هزار کیلومتری دارد، باید بتوانید

انديپندنت - مونيكا پروتوک / سيلوي کوربت

چرا کشورهای آفریقای ارتش فرانسه را بیرون می‌کنند؟



این یک ماه پر فراز و نشیب برای فرانسه و روابط آن با مستعمرات سابق در آفریقا بود، زیرا نفوذ آن بر این قاره با بزرگ‌ترین چالش در دهه‌های اخیر مواجه است.

در حالی که پاریس در حال طراحی یک استراتژی نظامی جدید بود که حضور نیروهای دائمی خود را در آفریقا به شدت کاهش می‌داد، دو تن از نزدیک‌ترین متحدانش ضربه مضاعفی زدند. دولت چاد که وفادارترین و وفادارترین شریک فرانسه در آفریقا محسوب می‌شود، در روز استقلال خود اعلام کرد که به همکاری دفاعی برای تعریف مجدد حاکمیت خود پایان می‌دهد.

و در مصاحبه‌ای که ساعاتی بعد توسط لوموند منتشر شد، رئیس‌جمهور جدید سنگال گفت که «بدیهی» است که به زودی سربازان فرانسوی در خاک سنگال حضور نخواهند داشت.

بسیرو دیومای فای، رئیس‌جمهور سنگال گفت: «فقط به این دلیل که فرانسوی‌ها از دوره برده‌داری اینجا بوده‌اند، به این معنی نیست که خلاف آن غیرممکن است.»

این اعلامیه‌ها در حالی منتشر شد که فرانسه در حال تلاش برای احیای نفوذ رو به کاهش در این قاره بود. ژان نوئل بارو، وزیر امور خارجه در حال تکمیل سفر خود به چاد و اتیوپی بود و امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه برای اولین بار کشته شدن ۴۰۰ سرباز آفریقای غربی توسط ارتش فرانسه در سال ۱۹۴۴ را به رسمیت شناخت.

مقامات فرانسوی تقریباً ۲۴ ساعت پس از اعلام چاد سکوت کردند و در نهایت گفتند که در حال «گفت‌وگوی نزدیک» در مورد آینده مشارکت هستند.

موکاهید دورماز، تحلیل‌گر ارشد در موسسه مشاوره ریسک جهانی [Verisk Maplecroft] با اشاره به منطقه خشک جنوب صحرا گفت: «تصمیم چاد آخرین میخ بر تابوت سلطه نظامی فرانسه پس از استعمار در کل منطقه ساحل (ساحل مناطقی از (از غرب به شرق) شمال سنگال، جنوب موریتانی، مرکز مالی، جنوب الجزیره و نیجر، مرکز چاد، جنوب سودان، شمال سودان جنوبی و اریتره را در بر می‌گیرد) است.»

دورماز افزود: «تصمیمات سنگال و چاد بخشی از تحول ساختاری گسترده‌تر در تعامل منطقه با فرانسه است که در آن نفوذ سیاسی و نظامی پاریس همچنان رو به کاهش است.»

آن‌ها به دنبال بیرون راندن نیروهای فرانسوی در سال‌های اخیر توسط دولت‌های تحت رهبری ارتش در نیجر، مالی و بوركینافاسو هستند، جایی

شده است، در حالی که دولت‌هایی که با وعده بازتعریف روابط با غرب به قدرت رسیده‌اند، می‌گویند روابط با فرانسه به نفع مردم نبوده است. آن‌ها می‌خواهند گزینه‌هایی را با روسیه، چین، ترکیه و دیگر قدرت‌ها بررسی کنند.

چاد با چهار کشور با حضور نظامی روسیه هم‌مرز است. در ماه ژانویه، محمد دبی، رئیس‌جمهور چاد برای تقویت روابط با «کشور شریک» مسکوفسفر کرد. رهبران نظامی نیجر، مالی و بوركینافاسو که ارتش فرانسه را اخراج کردند، به روسیه نزدیک‌تر شده‌اند، روسیه که مزدورانی را در سراسر ساحل مستقر کرده است که متهم به سوءاستفاده از غیرنظامیان هستند.

اما با افزایش تعداد حملات افراط‌گرایان و کشته شدن غیرنظامیان از سوی گروه‌های مسلح و نیروهای دولتی، وضعیت امنیتی در این کشورها بدتر شده است. بر اساس پروژه داده‌های مکان و رویداد درگیری‌های مسلحانه، طی ۶ ماه اول سال جاری، ۳ هزار و ۶۴ غیرنظامی کشته شده‌اند که ۲۵ درصد افزایش نسبت به ۶ ماه گذشته نشان می‌دهد.

نمی‌توان گفت که آیا خروج نیروهای فرانسوی منجر به افزایش خشونت شده است یا خیر. شانتانو شانکار، تحلیل‌گر واحد اطلاعات اکونومیست، گفت: «اما مسئله این خلاء امنیتی بزرگی ایجاد کرد و افزود که روسیه نمی‌تواند آن را پر کند. او گفت که نیروهای شرکت نظامی خصوصی روسی واکنش به منابع مالی کمتر توسط دولت‌های حکومت نظامی تأمین مالی می‌شوند.»

<https://tinyurl.com/268qfqde>

که احساسات محلی پس از سال‌ها جنگ نیروهای فرانسوی در کنار نیروهای محلی در مواجهه با شورش‌های افراطی اسلامی سرسخت‌تر شد. ژان ماری بوکل، فرستاده شخصی مکرون برای آفریقا، ماه گذشته گزارش خود را درباره تحولات حضور نظامی فرانسه در آفریقا به مکرون ارائه کرد. این بخشی از «تجدید همکاری ما با کشورهای آفریقای» بود که مکرون در سخنرانی سال ۲۰۱۷ در بوركینافاسو در روزهای اولیه ریاست‌جمهوری خود اعلام کرد.

جزئیات گزارش بوکل علنی نشده است؛ اما سه مقام ارشد فرانسوی که نخواهند نامشان فاش شود تا در مورد گفت‌وگوهای حساس با کشورهای مربوطه صحبت کنند، گفتند که فرانسه به دنبال کاهش شدید نیروهای نظامی خود در همه پایگاه‌هایش در آفریقا به جز جیبوتی کشور شاخ آفریقا است.

این مقامات گفتند که این امر بدان معنا نیست که فرانسه لزوماً همکاری نظامی را کاهش می‌دهد، بلکه به نیازهای ابراز شده توسط کشورها پاسخ می‌دهد. این مسئله می‌تواند به معنای ارائه آموزش‌های خاص‌تر در نظارت بر فضای هوایی یا پهپاد و سایر هواپیماها باشد. فرانسه همچنین می‌تواند نیروهای خود را به صورت موقت مستقر کند.

فرانسه هنوز ۶۰۰ سرباز در ساحل عاج، ۳۵۰ در سنگال و ۳۵۰ در گابن و همچنین حدود ۱ هزار و ۵۰۰ سرباز در جیبوتی دارد. این کشور ۱ هزار سرباز در چاد داشته است.

افزایش احساسات ضد فرانسوی منجر به اعتراضات خیابانی در چندین کشور آفریقای غربی و شمالی

به اوکراین خبر داده‌اند. این اقدام در راستای تلاش کاخ سفید برای حداکثر پشتیبانی از کی‌یف پیش از پایان دوره ریاست‌جمهوری در ۲۰ ژانویه صورت می‌گیرد. این بسته کمکی شامل مهمات برای سامانه‌های پدافند هوایی نَسْمَز (NASAMS) و هاوک (HAWK)، موشک‌های استینگر و گلوله‌های توپخانه‌ای ۱۵۵ و ۱۰۵ میلی‌متری است. با احتساب این کمک، مجموع کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین از زمان حمله روسیه در فوریه ۲۰۲۲ از مرز ۶۴ میلیارد دلار فراتر می‌رود.

• ایلان ماسک و ویوک راماسوامی، در مقام رهبری وزارت تازه تأسیس کارآمدی دولت، طرحی جاه‌طلبانه برای کاهش ۲ میلیارد دلار از بودجه فدرال ارائه کرده‌اند. این طرح که با انتقادهای گسترده کارشناسان روبرو شده، نهادهایی چون اداره درآمدهای داخلی، وزارت آموزش، افسی‌آی و کمیسیون تنظیم مقررات هسته‌ای را هدف قرار داده است. بر اساس این طرح، علاوه بر کاهش کمک‌های خارجی، بودجه دفاعی و پرداخت‌های اشتباه تأمین اجتماعی نیز کاهش خواهند یافت.

• جمهوری خواهان قصد دارند در سال ۲۰۲۵ با کنترل کاخ سفید و کنگره، تغییرات اساسی در روند رأی‌گیری آمریکا ایجاد کنند. این تغییرات شامل الزام به ارائه کارت شناسایی و مدارک شهروندی برای رأی‌دهندگان خواهد بود. هدف اصلی این طرح، بازگرداندن اعتماد عمومی به انتخابات است که به گفته دموکرات‌ها، به دلیل ادعاهای نادرست درباره تقلب در رأی‌گیری، به‌ویژه از سوی ترامپ خدشه‌دار شده است.

• درخواست روزنامه ایتالیایی «ایل فوگلیو» از ایران برای آزادی چچیلیا ساللا؛ تهران سکوت کرده است، چچیلیا ساللا که برای «ایل فوگلیو» کار می‌کند، پیش از کریسمس در جریان سفر به تهران برای تهیه گزارش دستگیر شد و هم‌اکنون در زندان اوین نگهداری می‌شود.

• خانواده‌های اسرای اسرائیلی در غزه اعلام کردند: نتانیاهو از محور فیلالدلیا و فهرست اسرا به‌عنوان دستاویزی برای مانع‌تراشی جهت حصول توافق سوء استفاده می‌کند. خانواده اسرای صهیونیست با بیان اینکه نتانیاهو بیش از اسرا به حفظ منصب خود اهتمام دارد، تصریح کردند: اسرائیل باید فوراً با توافق فراگیر تبادل اسرا به جنگ پایان دهد.

• محمود ابوظلال، سخنگوی گردان‌های جنین وابسته به سرایا القدس (شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین) تاکید کرد که نیروهای این جنبش به هیچ‌عنوان از اردوگاه جنین خارج نخواهند شد. ابوظلال در جریان نشست خبری که امروز در داخل اردوگاه برگزار کرد، گفت: طرح‌هایی که عناصر وابسته به تشکیلات خودگردان فلسطین و برخی از نهادهای حقوقی ارائه می‌دهند، شامل هیچ‌گونه راهکار واقعی نیست.

• «اسحاق بریک»، ژنرال نیروهای ذخیره ارتش اسرائیل، اظهار داشت: تمامی ادعاهای رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی درباره تسلط اسرائیل بر محور فیلالدلیا و نتساریم، توهمی بیش نیست. روزنامه عبری‌زبان «معاریو» به نقل از بریک نوشت: ما بر روی زمین مستقر هستیم، اما اتفاقات بسیاری در زیر زمین و تونل‌ها در جریان است که ارتش اسرائیل هیچ تسلط عملی بر آن ندارد. حماس همچنان نوار غزه را اداره می‌کند و ما برای پنجمین بار ناگزیریم به جبالیا بازگردیم. این وضعیت در مناطق دیگر غزه هم تکرار می‌شود.

• مسئول امور مرزی دولت منتخب دونالد ترامپ، از قصد این دولت برای استفاده از خانه‌های موقت جهت اسکان «فرزندان شهروند آمریکایی» مهاجران غیرقانونی خبر داد. تام هومن با اشاره به برنامه اخراج گسترده مهاجران غیرقانونی از آمریکا گفت: «وضعیت کودکانی که خودشان شهروند آمریکا هستند، اما والدینشان از مهاجران غیرقانونی بوده‌اند، پیچیده است. ما نمی‌توانیم این کودکان را بازداشت کنیم، بنابراین، ممکن است آن‌ها در خانه‌های موقت اسکان داده شوند».

• یک مقام ارشد کاخ سفید، عملیات جاسوسی گسترده چین، موسوم به «طوفان نمک» برضد یک شرکت مخابراتی دیگر در آمریکا به‌عنوان نهمین قربانی این عملیات را تایید کرد. آن نیوبرگر، معاون مشاور امنیت ملی در حوزه فناوری‌های سایبری و نوظهور کاخ سفید در این زمینه گفت: «مهاجمان، شبکه شرکت‌های مخابراتی را برای دستیابی به سوابق تماس مشتریان و دسترسی به مکالمات خصوصی افراد خاص هدف قرار داده‌اند».

• کری لیک، گزیننده دونالد ترامپ برای مدیریت صدای آمریکا، در یک مصاحبه اعلام کرد که برنامه او پس از آغاز دوره مدیریتش در صدای آمریکا «مبارزه با اخبار جعلی» و نیز «خبررسانی دقیق و منصفانه» خواهد بود.

• وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در دومین روز حضور در پکن، سال ۲۰۲۵ را «سالی مهم در موضوع هسته‌ای ایران» عنوان کرد و گفت: «در دیدار با مقامات چینی طیف وسیعی از موضوعات از جمله موضوع هسته‌ای ایران مورد بحث و مشورت قرار گرفت». اما او به اینکه چه تحولاتی در پرونده هسته‌ای ایران در سال آینده میلادی رخ خواهد داد و چه گفت‌وگوهایی درمورد موضوع هسته‌ای این کشور انجام شده است، اشاره نکرد. عباس عاقرچی افزود: در سال جدید میلادی، بحث هسته‌ای نیازمند آن است که مشورت‌های بیشتری با مقامات چین در این ارتباط داشته باشیم».

• سرویس اطلاعاتی روسیه با صدور بیانیه‌ای، آمریکا و بریتانیا را به برنامه‌ریزی برای حمله به پایگاه‌های نظامی روسی در سوریه متهم کرد. در بیانیه سرویس اطلاعات خارجی روسیه آمده است که ماموران آمریکایی و بریتانیایی تلاش کردند با تحریک به حملاتی علیه پایگاه‌های روسیه در سوریه، مسکو را مجبور به تخلیه آن‌ها کنند. سرویس اطلاعات خارجی روسیه در توضیح جزئیات اعلام کرد که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا برای انجام یک سری حملات تروریستی به پایگاه‌های روسیه در سوریه، آماده می‌شوند.

• عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در تازه‌ترین اظهارات خود در واکنش به سقوط دولت بشار اسد گفت: بشار اسد با مذاکره با مخالفان و با ترکیه موافق نبود. «ما در روابط بین دولت سوریه و مردم آن و با معارضان و مخالفان هیچ دخالتی نداشتیم. زمانی هم که ارتش سوریه از جنگیدن خودداری کرد، ما هیچ اقدامی نکردیم، چون قرار نبوده که ما بخواهیم به جای ارتش سوریه با معارضان برخورد کنیم. به بشار اسد توصیه کردیم که با ترکیه وارد مذاکره شود. اما موافق نبود».

• مقامات آمریکایی که خواستار حفظ ناشناس بودن خود شده‌اند، از تصمیم دولت بایدن برای اعطای بسته کمک نظامی جدید به ارزش ۱٫۲۵ میلیارد دلار



ایندپندنت / محمد خیر ندمان

نقش ترکیه در آینده سوریه



سقوط ناگهانی حکومت بشار اسد در سوریه نقطه عطفی بود در صحنه سیاسی منطقه، به‌ویژه اینکه پیش‌بینی‌های قبلی بر این اساس بود که پس از پیروزی نظام وی بر قیام‌های گذشته انقلاب مردم سوریه به پایان رسیده است. از سوی دیگر، از زمان شروع این قیام‌ها در سال ۲۰۱۱، ترکیه یکی از حامیان اصلی اپوزیسیون سوریه محسوب می‌شد. روابط پیچیده ترکیه با جناح‌های مسلح مختلف در سوریه عامل اساسی این پویایی است، اما رابطه این کشور با هیئت تحریر شام، گروهی که نقش اساسی در پیروزی انقلاب مردم سوریه داشت، اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، این رابطه می‌تواند نقش آینده ترکیه در سوریه را در دوران پسااسد شکل دهد.

عمده‌ترین گروه‌های مسلح که در حال حاضر سوریه را در کنترل دارند عبارتند از: هیئت تحریر شام، ارتش ملی سوریه، نیروهای سوریه دموکراتیک به رهبری کردها و ائتلاف عملیات جنوب وابسته به شماری از گروه‌های شورشی. این چندپارگی قدرت چالش اصلی انتقال موفقیت‌آمیز سوریه به دوران پسااسد است. البته روابط هر کدام از گروه‌های یادشده با ترکیه مختلف و متفاوت است. هیئت تحریر شام متحدهی غیررسمی است. ارتش ملی سوریه کاملاً به ترکیه وابسته است، در حالی که ترکیه نیروهای دموکراتیک سوریه را امتداد حزب کارگران کردستان می‌داند و به شدت مخالف آن است. علاوه بر این، حدود ۱۰ هزار سرباز ترک نیز در خاک سوریه حضور دارند.

در حالی که هیئت تحریر شام همچنان متحد غیررسمی ترکیه است، ارتش ملی سوریه گروه‌نیابتی ترکیه محسوب می‌شود و در تمامی امور به آنکارا متکی است. البته این موضوع پس از رویدادهای ۲۷ نوامبر گذشته، زمانی که شماری از نیروهای ارتش ملی سوریه برای حمله به شهر حلب به هیئت تحریر شام پیوستند، آشکار شد. با این حال، پس از سقوط حلب، جنگجویان این دو گروه بار دیگر از هم جدا شدند. هیئت تحریر شام به سمت دمشق پیشروی کرد، در حالی که نیروهای ارتش ملی سوریه به دستور ترکیه به سمت شرق چرخیدند تا نیروهای سوریه دموکراتیک تحت رهبری کردها را هدف قرار دهند. اما برخلاف اقدام نیروهای ارتش ملی سوریه، هیئت تحریر شام از هدف قرار دادن نیروهای سوریه دموکراتیک خودداری کرد، به‌ویژه اینکه این گروه می‌کوشد نشان دهد که در پی این است که کشور را به سمت ثبات ببرد و از دشمنی با آمریکا بپرهیزد. در کوتاه‌مدت اردوغان، که به دلیل سیاست‌هایش در سوریه با انتقادهای شدیدی مواجه شده بود، می‌کوشد تا اعتبارش را در داخل کشور باز یابد. به

است، واشنگتن را برای اتخاذ رویکردی که به نفع نیروهای دموکراتیک سوریه باشد، تحت فشار قرار دهد و این بدان معنی است که آنکارا و تل‌آویو دوباره با یکدیگر مواجه خواهند شد.

به‌طور کلی، مداخله ترکیه در سوریه و رویکرد آن در دوران پسااسد منعکس‌کننده تعاملی پیچیده میان اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت است که بر اساس نیازهای سیاسی داخلی، جاه‌طلبی‌های اقتصادی و نگرانی‌های امنیت ملی ترکیه شکل می‌گیرد. آنکارا سعی می‌کند خود را در جایگاه یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار تثبیت کند، اما راهبردهای آن با چالش‌های بسیاری از جمله ماهیت روابط با گروه‌های مسلح، مسئله خودمختاری کردها و تسهیل بازگشت پناهنجویان سوری مواجه است.

توانایی ترکیه برای غلبه بر چالش‌های مزبور اهمیت بسیاری دارد. شکنندگی ائتلاف‌ها با گروه‌هایی مانند هیئت تحریر شام، نقشی که نیروهای دموکراتیک سوریه بناست بر اساس خواست آمریکا در برقراری ثبات و امنیت منطقه ایفا کنند و آینده روابط ارتش ملی سوریه و هیئت تحریر شام، می‌تواند در تقویت یا تضعیف موقعیت آنکارا نقشی سازنده داشته باشد. علاوه بر این، ایجاد توازن در روابط آنکارا با قدرت‌های ذی‌نفع دیگر مانند آمریکا و اسرائیل، میزان انعطاف‌پذیری دیپلماتیک ترکیه را آشکار خواهد کرد و نشان خواهد داد که آیا این کشور توانایی رویارویی با چالش‌های پیش‌رو در سوریه را دارد، یا اینکه در میدان کشمکش با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی، نفوذ تازه به دست آمده‌اش را از دست می‌دهد؟

همین دلیل، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی طرفدار دولت، از مخالفان دولت ترکیه که در گذشته پیشنهاد گفت‌وگو با بشار اسد را مطرح کرده بودند، به شدت انتقاد اما در عین حال سعی می‌کنند تلاش‌های نافرجام دو سال اخیر اردوغان برای دیدار با اسد را نادیده بگیرند.

در درازمدت، ترکیه به دنبال کسب منافع اقتصادی از بازسازی سوریه است که هزینه آن حدود ۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. البته شرکت‌های ساختمانی ترکیه به دلیل دسترسی آسان به سوریه و نفوذ سیاسی قوی که آنکارا بر دولت نوپای سوریه دارد، می‌توانند از بازسازی سوریه سود قابل توجهی کسب کنند. از سوی دیگر، ترکیه به دنبال تسهیل بازگشت آوارگان سوری به سوریه است، در حالی که بازگشت سریع پناهنجویان مستلزم برقراری ثبات و امنیت، بازسازی زیرساخت‌ها و ایجاد اقتصادی پویا در سوریه است. البته تحولات اخیر به آنکارا انگیزه می‌دهد تا درصد حذف خودمختاری کردها در سوریه برآید، اما این امر مستلزم تایید آمریکا است. در حال حاضر، چنین به نظر می‌رسد که واشنگتن قصد دارد نیروهای دموکراتیک سوریه را در شرق فرات نگه دارد، به‌ویژه اینکه نیروهای مزبور مسئولیت نظارت بر زندانیان داعش و اردوگاه‌های بازداشت خانواده‌های آن‌ها را بر عهده دارند. علاوه بر این، نیروهای دموکراتیک سوریه کنترل مرزهای این کشور و عراق را در دست دارند و این امر برای جلوگیری از بازگشت نفوذ جمهوری اسلامی به لبنان و سوریه اهمیت بسیاری دارد. همچنین انتظار می‌رود اسرائیل، که در حال حاضر به دنبال گسترش منطقه تحت اشغالش در سوریه و نابودی زیرساخت‌های نظامی این کشور

<https://B2n.ir/m58052>



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Sourianc.com